

<https://www.aftabekherad.ir>

Theology of Hope; A Typology of Hope in the Representation of Quranic Concepts

Salman Safdari^۱

Received: 2018/07/02

Accepted: 2018/07/16

Abstract

Hope, faith, and love are three fundamental foundations that give a person vitality, dynamism, and a desire to live, mobility, and resilience in life. Hope is the driving force of a person that helps them achieve their goals and maintain their stability and patience. Various factors can play the role of a hope-creating element, some of which depend on the psychological, mental, and perceptual structure of the individual, and some of which depend on the environmental, social, and communication factors of the person. One of the fundamental foundations that can play the most fundamental role in strengthening hope and love is faith. Faith, which has its roots in religious beliefs, religious motivations, and the type and perception of the person about themselves, the universe, and the surrounding environment, both causes a person to define themselves correctly in terms of their identity and the nature they enjoy, and also, due to their connection and reliance on the origin of existence and knowledge about themselves, to make a directed and continuous effort to achieve goals that are limited only to material dimensions and needs. The question is how and by what mechanism religious faith can deepen hope, are there any references and foundations in Islamic teachings that can be relied on to explain and explain the role of hope?

This article attempts to introduce 7 types of hope that are directly or indirectly mentioned in different verses, based on Quranic teachings, and to state their characteristics and characteristics. Therefore, the typology of hope in Quranic verses is the goal that this article seeks to explain and introduce. These 7 types of hope are:

Symbolic hope or ultimate hope, promised hope or hope of salvation, helper hope or capitalist hope, transcendental hope, generalized hope, instrumental or rewarding hope, and restorative or compensatory hope.

Keywords: Hope, faith, God, religious thought, Islam, destination and salvation

^۱ - Social Researcher, Translator - sn.safdarii@gmail.com

الهیات امید؛ گونه‌شناسی از امید در بازنمایی از مفاهیم قرآنی

سلمان صفدری^۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۴/۱۱

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۴/۲۵

چکیده

امید، ایمان و عشق سه مبنای اساسی هستند که به انسان در مسیر زندگی نشاط، پویایی و میل به زیستن، تحرک و استعلاجویی می‌بخشند. امید نقش موتور محرکه انسان است که برای رسیدن به هدف و حفظ پایداری و صبوری او را یاری می‌بخشد. عوامل گوناگونی می‌توانند در نقش عنصر امیدآفرین باشند، که بخشی از آن مربوط به ساختار روانی، ذهنی و ادراکی خود فرد بستگی دارد و بخشی از آن نیز به عوامل محیطی، اجتماعی و ارتباطی انسان بستگی دارد. یکی از بنیان‌های اساسی که می‌تواند بنیادی‌ترین نقش را در تقویت امید و عشق داشته باشد، ایمان است. ایمان که ریشه در باورهای دینی، انگیزش‌های اعتقادی و نوع و ادراک انسان از خود، جهان هستی و محیط پیرامونی دارد، هم باعث می‌گردد که انسان خود را از نظر هویتی و ماهیتی که از آن بهره‌مند است به درستی تعریف نماید و هم به دلیل اتصال و اتکال به مبدأ هستی و معرفت نسبت به خویشتن، برای رسیدن به اهدافی که تنها به ابعاد و نیازهای مادی محدود می‌گردد، تلاش جهت دار و مستمری داشته باشد. سؤال این است که ایمان دینی چگونه و با چه مکانیزمی می‌تواند باعث تعمیق امید شود، آیا در آموزه‌های اسلامی اشارات و بنیان‌هایی قابل مشاهده است که بتوان با اتکاء به آن نقش امید را تبیین و توضیح داد. این مقاله تلاش دارد با استناد به آموزه‌های قرآنی ۷ نوع امید را که در آیات متفاوت به طور مستقیم یا غیرمستقیم به آن اشاره شده است، معرفی کرده و مختصات و مشخصات آن را بیان دارد. بنابراین گونه‌شناسی از امید در آیات قرآنی هدفی است که این مقاله در پی تشریح و معرفی آن است. این ۷ نوع امید عبارتند از: امید نمادین یا امید غایی، امید وعده داده شده یا امید نجات، امید استعانتی یا امید سرمایه‌داری، امید استعلائی، امید تعمیم‌یافته، امید ابزاری یا پاداش‌دهنده و امید بازسازی‌کننده یا جبران‌کننده.

کلید واژه‌ها: امید، ایمان، خداوند، اندیشه دینی، اسلام، غایت و نجات

۱. پژوهشگر اجتماعی، مترجم - sn.safdarii@gmail.com

مقدمه و بیان مسئله

انسان موجودی است که خود، محیط اطراف، جهان هستی و روابط بین پدیدارها را مورد بازاندیشی و بازکاوی قرار می‌دهد. او هم خویش را مورد تأمل قرار می‌دهد و هم برای آینده خود اهداف و برنامه‌های متفاوت و متکثری را تمهید می‌نماید. لندیشه‌ورزی، خردگرایی و تأمل‌اندیشی بخش ماهوی حقیقت انسانی را تشکیل می‌دهد، صرف‌نظر از اینکه واجد چه پنداشتی از انسان بوده و در کدام‌یک از نظام‌های معنایی خود را تعریف و یا به کدام‌یک از مکاتب فکری و اعتقادی احساس تعلق نماید. «زمان»، رکن اساسی واقعیت بشر را می‌سازد که مفری از آن ندارد و باید خود، کنش‌ها و اهداف خویشتن را با آن منطبق نماید. آگاهی بشر به زمان مقدمه انطباق‌گرایی، انتخاب‌ها و گزینش‌هایی است که روند انتخاب انسان را محدود می‌سازد. ما می‌توانیم در جهانی که زمان‌مند است خویش را بازیابیم و خود را برای آگاهی، لندیشه‌ورزی و انتخاب‌های خاص و گزینش‌های محدود مهیا نماییم؛ اما زمان، واجد هیچ اطمینانی برای بشر نیست و همانقدر که حیرانی ناشی از شرایط کنونی او را به خویش سرگرم می‌سازد، فکر کردن به گذشته و اندیشیدن به آینده منشاء حیرت، ابهام و تردید برای اوست. شاید مهمترین سؤالات بشر معطوف به همین بنیان و مسئله باشد که منشاء نظریه‌پردازی‌های گوناگون، نظام‌های فلسفی و گرایش‌های فکری شده است. انسان نمی‌تواند برای خویش حیاتی محدود را در نظر گرفته و مرگ را به معنای تباهی و نابودی تصور نماید؛ اگر چنین تصور و تصویری را برای خویش ترسیم نماید، میل به بودن، معناداری زندگی و بهره‌مندی از هویت و غایت را در بشر با نابودی و تباهی مواجه خواهد ساخت. رابطه بسیار نزدیکی بین معنا، امید و غایت وجود دارد و تمامی لندیشه‌ها و نظامات فلسفی، تلاش کرده‌اند تا چارچوبی را ارائه دهند که بتواند پاسخگوی نیازها و ضرورت‌های سه‌گانه مذکور باشد؛ یعنی ساختاری از اندیشه که برای انسان و زندگی او معنای روشنی را به ارمغان آورده، چراغ امید را در وجود او روشن نگه دارد و بتواند نهایی را برای او ترسیم نماید که ضمن اطمینان از فناپذیری، غایت مطلوبی را تصویر نماید. پاسخ روشن به این ضرورت سه‌گانه است که بشر را از حیرانی، اضطراب‌های وجودی و تزلزل‌های ناشی از پوچی و حیرانی نجات خواهد داد.

بنیان و شالوده وجودی ادیان، پاسخ به این سه‌گانه است. ادیان تلاش دارند حقیقت و ماهیت وجودی انسان و جهان را تعریف و روند حرکتی آن را تبیین نموده و ضرورت‌های انتخابی و رفتاری انسان در نیل به غایت و مطلوبیت مورد انتظار را تشریح و مشخص سازند. انسان به عنوان وجودی که بهره‌مند از قدرت نطق و اندیشه است، نیازمند اقتناع فکری و

عقلانی نسبت به خویشتن، جهانی که در آن زیست می‌کند و آینده‌ای که فراروی اوست، می‌باشد.

ادیان با تکیه بر وحی الهی، قدرت استدلال و بهره‌گیری از علم و دانش بشری و همچنین تحلیل تاریخی حیات بشر و تبیین جهان، حقیقت وجودی بشر را تعریف و مسیر تکاملی آن را ترسیم نموده و ضرورت‌ها و شیوه‌های دستیابی به غایت را مشخص می‌سازند. در تمامی ادیان به‌ویژه ادیان ابراهیمی مسئله معنا، امید و غایت در چارچوبی روشن و نظام‌مند که ریشه در ساختار جهان‌بینی، نظام اعتقادی و شالوده‌های عقلانی دارد، در کتب مقدس و در سنت دینی تشریح گردیده است. گرچه تفاوت‌هایی در نگرش ادیان در این سه عرصه وجود دارد اما زیرساخت‌های نظری ادیان ابراهیمی به دلیل یگانگی در سرچشمه‌های معرفتی، دارای تشابهات بسیاری است. اسلام، مسیحیت و یهودیت برای انسان، وجود و ماهیتی غیرمادی تعریف کرده‌اند که در مسیر تکاملی خود در جهان قرار گرفته، همانگونه که جهان به سوی غایتی مشخص در حرکت است. از نگاه دینی، انسان به عنوان وجودی الهی، صاحب مسئولیت‌ها و غایت‌هایی است که می‌باید از طریق کاوش، تلاش، خردورزی، پویایی عقلانی و رفتاری آن را حاصل نموده و جهان مادی به‌عنوان مرحله‌ای محدود از فرایند تکاملی و استعلایی بشر تعریف می‌گردد. ادیان چه در کتب مقدس و چه در سنت دینی، واجد ساختار و الگویی از زندگی هستند که در متن آن، امید به‌عنوان یک بنیان تحرک‌آفرین و جلوه‌ای روشن از حرکت بشر تبیین گردیده است. در تصویرسازی ادیان از جهان و انسان، آموزه‌ها و بنیان‌هایی وجود دارد که بشریت را گل سرسبد آفرینش تعریف کرده که به سوی غایتی روشن در حرکت است. امید در متن ادیان ابراهیمی در نقش موتور محرکه‌ای است که انسان را برای پویایی، تلاش، پایبندی‌های اخلاقی و بازیابی خویشتن و مهیا شدن برای بهره‌مندی از توانایی‌های بالقوه‌ای که در وجود او به ودیعت نهاده شده، یاری می‌نماید. سؤالی که این مقاله در پی پاسخ به آن است این است که اسلام و کتاب مقدس آسمانی آن قرآن در تصویرسازی از امید، چه الگویی را ارائه می‌دهد و بر چه بنیان‌هایی تأکید می‌نماید و اینکه آیا می‌توان گونه‌های متفاوتی از امیدبخشی را در قرآن از یکدیگر متمایز ساخت؟ بنابراین، هدف اصلی این مقاله بررسی و واکاوی آموزه‌های اسلامی با اتکاء به متن مقدس، نسبت به امید و پاسخ به آن بر مبنای تصویرسازی و الگویی است که برای امیدبخشی ارائه شده است.

۱- ضرورت‌های امید

سؤالی که پیش از هر عنوانی در موضوع امید باید مورد تأمل و بازکاوی قرارگیرد، این است

که امید بر کدام بنیان‌ها استوار است و چه ضرورت‌های روانشناختی، ذهنی و انگیزشی وجود دارد که امید را به عنوان یک نیاز، یک حقیقت و یک عنصر تحرک‌آفرین برای بشر مبدل می‌سازد. واقعیت این است که انسان نیاز به امید دارد، این جمله به ظاهر ساده است اما پذیرش و یا رد آن، منشاء و مبدأ بسیاری از نظریه‌پردازی‌ها بوده است. برخی با تأکید بر ابعاد روانشناختی، اعتقادی و یا جامعه‌شناختی تلاش کرده‌اند امید را یک ضرورت و یک بنیان برای تحرک انسانی و پویایی و میل به تعالی و حیات تعریف نمایند، اما عده‌ای به عکس، امید را یک آگاهی کاذب و یا یک امر نامیمون ارزیابی می‌نمایند که موجب ماندگاری و پایداری رنج بشر می‌گردد که نیچه نمونه بارز چنین تفکری است.

کسانی که امید را یک ضرورت و یک نیاز بنیادین برای بشر تعریف می‌نمایند، علل و عوامل متفاوتی را برای آن ذکر نموده‌اند که اهم آن عبارت است از:

۱-۱- تلاش و پویش مستمر

پلینی پیر می‌گوید: «امید محوری است که جهان را سرپا نگه داشته است» و سیولی بیان می‌دارد «امید نیروی حیاتی برای انسان‌هاست» (سیولی، ۱۳۹۱: ۵۸) و جبران خلیل جبران امید را واحه‌ای در قلب نامیده است (همان ۷۴) و مری مک‌لود بیان می‌دارد: بدون امید هیچ چیز ممکن نیست و با آن هیچ چیز غیرممکن نیست (همان). اینها همان کارکردهای بنیادین امید است که انسان را به پویش، تلاش و خودکاوای و امی دارد. غلبه گفتمان امید، مبدأ اصلاح مداوم و باور به دستیابی به سطوح بالاتری از موفقیت و دانش است. این گفتمان در مقابل گفتمان ابهام، رخوت، یأس، سرخوشی و فریب درونی و به‌ویژه اکنون‌زدگی و پوچ‌گرایی قرار می‌گیرد. کارکرد این پویش مستمر، زنگارزدایی از حقیقت خویشتن، پویش برای کسب حقیقت، تلاش برای رسیدن به فضیلت، علم، آگاهی، اندیشه و عبور از مرزهای جهل و ناتوانی است. تصویرسازی امید بر این امر استوار است که هیچ‌گاه مسیر برای کاوش و رسیدن، با انسداد مواجه نمی‌شود بلکه همیشه راهی برای ترمیم، بازگشت، بازسازی، بازاندیشی، معرفت‌اندیشی و انتخاب‌های جدید وجود دارد و رسیدن به هدف میسر و ممکن است.

۱-۲- باور درونی به موفقیت

اشنایدر می‌گوید: «افراد پرامید به روابطشان، زندگی و طراوت می‌بخشند» (Snyder, 2000). امید بدون هدف نمی‌تواند زنده بماند (snyder, 2000). اشنایدر چهار بعد اساسی را برای

امید در نظریه خود درباره امید بیان می‌دارد: «قدرت اراده»^۱، قدرت راهیابی (روش)^۲، هدف داشتن^۳ و تشخیص موانع (اشنایدر و همکاران ۱۹۹۱). باور درونی به موفقیت، تنها با امید به موفقیت پیوند خورده است. تنها انسان‌هایی که امید را در خویشتن به یک موتور محرک و یک نیروی برانگیزاننده تبدیل کرده‌اند، میل به کاوش و تلاش برای رسیدن و صبوری و مقاومت در برابر موانع را در خویشتن تقویت می‌کنند. باور درونی به موفقیت مستلزم ضرورتی به نام امید است که روند مشکلات را تحمل‌پذیر و میل به استمرار را در افراد تضمین می‌نماید. بنابراین امید باور درونی به موفقیت را به یک سازه اصلی در گزینش‌ها برای تداوم و پایداری انسان تبدیل می‌کند.

۱-۳- رهایی از شک و تردید

تصویرهای وهم‌انگیز، تردید، احساس رنج، ناپیوستگی و گسستگی که منشاء مال‌اندیشی است، موانع اساسی‌ای است که در مسیر تحرک و پویایی بشر قرار گرفته است. کارل گوستاو یونگ درباره اهمیت تجربه دینی و آثار کارکردی آن بیان می‌دارد: «مهم نیست که دنیا درباره تجربه دینی چه می‌اندیشد، کسی که چنین تجربه‌ای دارد صاحب گنجی عظیم است، چیزی که برای او سرچشمه زندگی، معنا و زیبایی است و شکوهی تازه به جهان و انسان داده است. او دارای سکینه و آرامش است. کدام معیار است که بر اساس آن بتوان گفت چنین زندگی‌ای مجاز نیست، چنین تجربه‌ای درست نیست و چنین سکینه‌ای توهم صرف است. آیا به‌عنوان یک امر واقعی، در زمینه امور متعالی، هیچ حقیقتی بهتر از آنچه شما را در زندگی یاری می‌دهد وجود دارد؟ و اگر چنین تجربه‌ای باعث شود که زندگی برای خودتان و برای آنان که دوست می‌دارید سالم‌تر، زیباتر، کامل‌تر و رضایت‌بخش‌تر باشد، می‌توانید با اطمینان بگویید این توفیق الهی بوده است (یونگ، ۱۹۳۸: ۱۰۵؛ به نقل از وولف: ۲-۶۴۱). امید ناشی از ایمان، منشاء رفع ابهامات و دغدغه‌هایی می‌گردد که می‌توانند در نقش یک ترمز موجب سرخوردگی و بی‌عملی گردند. امید، برخاسته از باوری است که بر تمامی عوامل و زمینه‌های ذهنی تردیدآفرین غلبه کرده و انسان را در مسیری که برگزیده است، حمایت می‌کند.

1. Will – Power
2. Way – power
3. Have a goal

۱-۴- تفکر انتقادی^۱

امید به انسان قدرت تأمل‌گرایی و بازانندیشی می‌بخشد تا همواره موضوعات را نقد کرده و با عوامل و زمینه‌هایی که موجب انسداد می‌گردند، مقابله نماید. انسان در برابر موانع دو راه بیشتر ندارد یا تسلیم و یا قدرت نقد و بازانندیشی. بازگشت برای پیگیری هدف یعنی قدرت نقد، نقد در اندیشه، نقد مسیر، نقد روش، نقد الگوهای زندگی و تفکر و نقد بینش و انگیزش. این تفکر انتقادی است که قدرت بازانندیشی، اصلاح و ترمیم را برای انسان می‌گشاید. امید بازانندیشانه، یا امید اصلاحی و یا ترمیمی از مدار این الگوسازی از امید امکان تحقق دارد. امیدانتقادی به جای تن دادن به استیصال و سرگشتگی و حیرانی ناشی از یأس و سرخوردگی، قدرت بازیابی، خردورزی و بازسازی به انسان می‌بخشد و این میسر نیست مگر در پرتو امید و باور به اینکه موفقیت و تحقق اهداف امکان‌پذیر است، ولی در روند کار اشکالات و اختلالاتی وجود دارد که باید مورد بازکاوی، نقد و بازانندیشی قرارگیرد. امید این قدرت را دارد که به فرد اطمینان بدهد که باید از نو آغاز کرده و مسیری را که به‌ظاهر خطا بوده است را ترمیم نماید و هدفی را که در دسترس است، تحقق بخشد.

۱-۵- مقاومت و پایداری

از ضرورت‌های کارکردی امید، استقامت و پایداری است که میل به تداوم و تحقق هدف را در فرد زنده نگه می‌دارد. محکومیت، درماندگی و احساس حرمان، اشکال و صورت‌هایی از ناامیدی هستند که میل به تکاپو و پویش را در فرد به تباهی و نابودی می‌کشاند. «کسانی که احساس درماندگی می‌کنند ناآگاهانه درگیر بزرگنمایی می‌شوند» (سیولی، ۱۳۹۱: ۱۶۷). امید این حقیقت را به انسان گوشزد می‌کند که هدف قابل دستیابی است اما موانع بسیاری در پیش‌روی آن وجود دارد که رمز عبور آن ایستادگی، مقاومت و باور درونی به امکان دسترسی به آن است. نلسون ماندلا در یکی از نوشته‌های خود می‌نویسد: «کوچک بودن به درد دنیا نمی‌خورد، کوچک بودن در حدی که دیگران در اطرافمان احساس امنیت نکنند لطفی ندارد. ما متولد شده‌ایم تا تجلی شکوه خدایی باشیم که در درون ماست؛ نه فقط درون بعضی از ما بلکه درون همه ما و اگر اجازه بدهیم نور درونمان به بیرون بتابد، ناخودآگاه به دیگران هم اجازه می‌دهیم همین کار را بکنند» (سیولی، ۱۳۹۱؛ ۱۸۰). بنابراین «امید یعنی بقا، یعنی اعتقاد به رهایی از آسیب، اعتقاد به این که همیشه راه چاره‌ای هست و اعتقاد به این که با اطمینان به بهبود و اصلاح امور، می‌توان به آرامش دست یافت» (همان ۱۱). امید یعنی توانستن و عبور کردن، یعنی الگویی الهام‌بخش از زندگی که بر مبنای

آن برای ساختن و رسیدن به اهداف راهی وجود دارد؛ یعنی آگاهی، کشف و رسیدن ممکن است و باید به سوی آن حرکت کرد؛ یعنی ساختن و ترسیم کردن زندگی، جهان و جامعه‌ای بهتر میسر است؛ یعنی کاوش بی‌نهایت انسان برای دستیابی به حقایق و رازدایی از جهان رازآلودی که ما را احاطه کرده است. با این تعبیر، امید یعنی فراتر رفتن از زمان و مکان و ایستادن در فراتر از زندگی برای وقوف و آگاهی از زوایای آشکار و پنهان آن و یافتن گذرگاه‌های باریکی که امکان عبور از بودن‌ها را میسر و راههای شدن و رسیدن را برای انسان هموار می‌سازد. بنابراین امید را می‌توان در نقش شادی، نشاط، حرکت و سرزندگی برای رسیدن به مرزهای ناشناخته و چشیدن طعم لذت‌دهنده‌های جدید و کشف رازهای پنهان و تقویت حس توانایی، قدرت، شور و نشاط و میل به رفتن و به مقصود رسیدن و ایجاد باور درونی به حقیقت، زیبایی و قابل حصول بودن آن برای همگان، توصیف نمود. نقش امید با این تلقی، گسستن از خمودگی، توقف و تن‌دردادن به وسوسه‌های سکون و یأس و خذلانی است که سرزندگی و شادابی را زدوده و سرخوردگی، پوچی و حیرانی را بر روح، جان و حقیقت درونی انسان تحمیل می‌نماید.

بنابراین ضرورت‌های امید هم از درون، اندیشه، گفتمان درونی و پنداشته‌های ذهنی انسان تراوش می‌کند و هم به‌عنوان یک «سازه اجتماعی» مداوماً در روابط و مناسبات اجتماعی تولید و بازانتشار می‌شود. اما این حقیقت قابل کتمان نیست که امید یک ضرورت و یک نیاز بازاندیشانه است که بشر را به تکاپو و میل به حرکت واداشته و میل به جستن و رسیدن را در او زنده نگه می‌دارد.

۲- گونه‌شناسی از امید در اندیشه دینی

گرچه امید در کانون آموزه‌های اسلام متغیری کلیدی است و به یک تعبیر، پارادایم ریشه‌^۱ اندیشه دینی است، اما سوال این است که در آموزه‌های وحیانی، امید چگونه بازنمایی گردیده است. آیا امید در یک قالب کلی و در الگوی نجات‌آنگونه که در اندیشه مسیحی و یهودی مورد تأکید است، تعریف می‌گردد یا اینکه می‌توان با اتکاء به متن و نوع محتوای ارائه شده، انواع امید را از یکدیگر متمایز کرد.

با تأمل و بررسی در آموزه‌های وحیانی اسلام می‌توان اشارات، شاخص‌ها و تأکیدات مستقیم و غیرمستقیمی را مورد ملاحظه قرار داد که حکایت از تنوع الگوسازی از امید است. به تعبیر دیگر در متن مقدس اسلامی یعنی قرآن کریم، از امید به گونه‌های متفاوت مفهوم‌سازی شده است که می‌توان قالب‌های متفاوتی از آن را از یکدیگر تفکیک کرد. وجود

اشارات و نشانه‌های متفاوت، گویای این واقعیت است که امید در اندیشه اسلامی در قالب یگانه‌ای نمادسازی نگردیده و تلاش متن مقدس آن است که بنابر سطح و نوع نیاز و انگیزش افراد، گونه‌های متفاوتی از امید ارائه شود.

در این بخش تلاش خواهد شد تا با رجوع به قرآن کریم، برخی از گونه‌های امید مورد بازنمایی قرار گیرد.

۱-۲- امید نمادین^۱ یا امید غایی^۲

یکی از وجوهی که در اندیشه اسلامی اهمیت دارد نوع الگو و تعریفی است که خداوند از خود ارائه می‌دهد. صفات و مختصات که خداوند از خویشتن ارائه می‌دهد گویای آن است که خداوند در نمادسازی از خود و در تعریفی که از خویشتن ارائه می‌دهد بربنیانی تأکید می‌نماید که گویای کرامت و معناسازی مبتنی بر محبت و رحمت است. در این مرحله می‌توان سه نوع نمادسازی را از خداوند در اندیشه دینی که گویای نمادسازی مبتنی بر امید است از یکدیگر تفکیک کرد: ۱- خداوند با اتکاء به اسماء و صفاتی که از خود ارائه می‌دهد تصویری از حقیقت خویشتن را باز می‌نماید که مبتنی بر رحمت، عفو، کرامت و بخشش است. این صفات، این حقیقت را به انسان می‌نماید که در نسبت خود با خالقی مواجه است که از نگاه نمادین به انسان، صاحب «لطف»، «رحمت» و «کرامت» است. تکرار مکرر نام‌های خداوند تحت عناوین رحمان و رحیم^۳، کریم، رئوف، غافر، غفار و غفور که بیشترین وصف خداوندی در قرآن است، گویای این واقعیت است که در آموزه‌های اسلامی خداوند مظهر بخشش و کرامت بوده و هدف او به تکامل رسانیدن بشر است و نه تأدیب او. خداوند انسان را برگزیده خویشتن قلمداد کرده است و نه موجودی مفلوک؛ انسان در مقابل خالقی قرار می‌گیرد که رحمتش بر غضبش نسبت به نافرمانی انسان غلبه دارد، هدف خداوند کرامت و استعلابخشی به انسان است و نه ایجاد مضایق، تأدیب و تنبیه.

۲- تصویرسازی از انسان و مسیری که طی خواهد کرد که نهایت آن رسیدن به کانون هستی است در متن آموزه‌های دینی صراحت دارد. در این تصویرسازی، اساس حرکت انسان به سوی تکامل و رسیدن به مقام امن است. «بهشت» نمادی از امیدبخشی خداوند به انسان در مقابل رنج‌ها و مشکلات بوده و انتهای راهی است که به زیبایی، آرامش، نشاط و کامیابی ختم می‌شود.

1. Symbolic hope

۲. Terminal hope

۳. تمامی سوره‌های قرآن با الرحمن و الرحیم آغاز می‌شود که نوعی کلام نمادین از حقیقت خداوندی است.

۳- نمادسازی از روند تحول در جهان موجود، در نهایت به عدل و داد رسیده و آرامش و امن جایگزین ظلم و بیداد می‌گردد. رجعت، بازگشت و ظهور که در تمامی ادیان ابراهیمی مطرح شده و جزو اعتقادات است، بخشی از نمادسازی خداوند از مسیر نهایی و غایی جهان است که در انتها تحقق خواهد یافت.^۱ بنابراین خداوند در نمادسازی از خود، از انسان و مسیری که طی می‌نماید و همچنین در تصویری که از مسیر حرکت جهان ارائه می‌نماید، نوعی حرکت و ماهیت نمادین را برای بشر تصویر می‌نماید که اطمینان، آرامش و امید به رهایی و رسیدن به مطلوب در آن کاملاً صراحت دارد.

بنابراین در غایت‌شناسی از انسان و جهان، تصویری توسط خداوند ارائه می‌شود که در آن زیبایی، هدفمندی، عبور از تنگناهای محنت و رنج و رسیدن به ساحل آرامش برجستگی دارد. تصویری که خداوند از خویشتن ارائه می‌دهد در اوج هدفداری، غایت‌مندی، کرامت و لطف است و جهانی را به تصویر می‌کشد که در اوج شکوه و زیبایی است. اگر باور داریم که خداوند برای فعل خویش غایت و مقصودی مدنظر دارد، چنانچه لطف خداوندی و تکامل انسان در مرحله‌ای متوقف شود، با هدف خداوندی مغایرت دارد. این معناشناسی مبنی بر عشق به انسان و هدفمندی از جهان، به معنای آن است که فعل خداوند ابدی است و قاعده لطف و رحمت او نیز ابدی است. این الگو برای انسان ترسیم‌کننده نهایی سرشار از زیبایی و تحقق مقاصدی است که در آرزوها و تصویرهای جذاب انسان از هستی در نقش اهداف و غایت‌های مطلوب تعریف گردیده است.

۲-۲ - امید وعده داده شده^۲ یا امید نجات^۳

در مسیحیت، عیسی مسیح سمبل و نماد امید است و زندگی، حیات، رستگاری و تصویر زیبای زندگی و حیات بشر در جهان آینده در وجود مسیح متجلی شده است. او اسطوره و نماد نجات انسان از رنج، غصه و دستیابی به مقام اطمینان است. نه تنها نام مسیح واجد چنین اطمینانی است که خود مسیح نیز عامل و بنیان‌آفرین و ایجادکننده امید و رستگاری است. ریچارد مورگان تأکید می‌کند «شاید همه مسیحیان بپذیرند که عشق ابدیست (Morgan, 2009: 131). در اولین نامه یوحنا آمده است «خدا عشق است» و عشق به عنوان حقیقت گسترش می‌یابد (Ibid: 128)؛ بنابراین برای شناخت خدا و برای ارتباط واقعی با او باید عشق داشته باشیم. عشق در وجود خداست، هم در وجود او و هم در درون ما و این

۱. وَتَرِيدُ أَنْ نَمُنَ عَلَىٰ الَّذِي اسْتَضَعِفُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أُمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ. (سوره قصص، آیه ۵)

2. Promisary hope
3. Salvation hope

عشق کانون ایمان است و این واقعیتی ابدی است که با امید نسبت دارد (Ibid:132). مورگان تأکید می‌کند «ما معتقدیم دیدگاه ما درباره امید تنها به انسان متمرکز نیست و به درک از ماهیت بشر و یا وجود او و همچنین به آخرت‌شناسی و آخرت‌گرایی صرف مربوط نمی‌گردد، بلکه نگرش و ارزیابی درباره امید مربوط به خود خداست که ما را قادر می‌سازد چنین نتیجه بگیریم» (Ibid:137). بنابراین پرستش، ستایش، ابدیت، ایمان و امید در الهیات مسیحی به یکدیگر پیوند خورده و رمز این پیوند نیز مربوط به رابطه انسان با خداوند است و مسیری دائمی و لبدی دارد. ایمان تا لبد باقی می‌ماند و توکل به او و تکیه بر او یک رابطه شخصی با خداست. ایمان این نکته را بیان می‌دارد که خدا ما را می‌بیند، از ما نگهداری می‌کند و مورد حمایت خویش قرار می‌دهد. این روند دائمی است و از عشق دوگانه‌ای سرچشمه می‌گیرد که زوال ندارد. بخشندگی او، سخاوت او و عشق خداوند به انسان، بی‌حد و زندگی‌ها از لبدیت تا لبدیت، از لبدیت به لبدیت است. مسیح خود با ایمان تا لبد و با اعتماد به خدا در حیات لبدی زندگی می‌کند. بنابراین از نگاه مسیحیت، ایمان، بخشی از زندگی است که خداوند آن را هدایت می‌کند و ما باید تا ابد با ایمان زندگی کنیم به این دلیل که ما همیشه دلگرم به خداییم و به او امید داریم (Ibid:136). اگر ایمان و عشق تا لبد پایدار و ماندگار است، امید چگونه می‌تواند موقتی و ناپایدار باشد، بنابراین انسان به آنچه می‌بیند و آنچه نمی‌بیند امید دارد. سنت پل معتقد است «امید نمی‌تواند متوقف شود، چرا که امید در وجود مسیح مطابق با مفهوم خداست». از نگاه بولتمن، امید از نگاه سنت پل ماندگار است چون امید به تحقق آرزوها و رؤیاهای آینده انسان مربوط نمی‌شود، اما ما با اعتقاد به اینکه خداوند جهان را هدایت می‌کند، جسورانه منتظر هدیه خداوند هستیم و هنگامی که آن هدیه دریافت می‌شود آن را در خویش محفوظ نگه نمی‌داریم بلکه اطمینان داریم که خداوند آنچه را که به ما داده حفظ می‌کند (Ibid:131). بنابراین از نگاه مسیحیت، رستگاری نهایی به دست خداوند رقم خواهد خورد. جاودانگی امید و امید به نجات از همین ایده رقم می‌خورد یعنی از پادشاهی و حکمرانی خداوند و اراده او به نجات و رستگاری انسان.

در اندیشه‌های اسلامی و قرآنی مسئله نجات و امید به نجات در قالب‌های متفاوت مفهوم‌سازی شده است. آیات گوناگونی در قرآن وجود دارد که صراحتاً روند تحولات جهان را مورد توجه قرار می‌دهد هم در بعد این جهانی و هم در نگرش آن جهانی و جهان آخرت. «اراده کردن» برای بهبود روند تحولات جهان یکی از رویکردهایی است که در قرآن مورد توجه است. در یکی از آیات قرآنی تأکید می‌شود «خداوند اراده کرده است که کسانی را که

تضعیف شده‌اند را مورد تفضّل قرار داده و آنها را پیشوایان و وارثان روی زمین قرار دهیم.^۱ بشارت خداوندی به نجات بشر به‌عنوان یک اراده الهی و مسیر اجتناب‌ناپذیر بشر، هم‌گویای امیدبخشی به بشر است و هم اندیشه نجات و بشارت تغییر را مورد تأکید قرار می‌دهد. امید، صرفاً به وجه سلبی که به پایان یافتن نقصان‌ها و رنج‌ها، بستگی‌ها و انسدادها، محرومیت‌ها و کاستی‌ها است، توجه ندارد، بلکه ساختن، گشودن، ایجاد کردن و دست‌یافتن نیز در آن برجستگی دارد. اگر بپذیریم که خداوند خود در پی تغییر و زدودن ناکارآمدی‌ها و ناکارکردی‌ها از یک‌سو و تحقق بخشیدن به خیر، علم، خرد و پویایی در سطح جهان و جهان انسانی از سوی دیگر است، می‌توان پذیرفت که اراده خداوندی، به تحقق اهداف و پیشبرد مسیری است که انتهای آن فلاح، صلاح، خیر عمومی، تحقق علم و اندیشه، راززدایی از عالم، فروپاشی پلیدی‌ها و زشتی‌ها و تعیین‌بخشی به غایتی است که خداوند آن را به‌عنوان الگوی مدیریت و معرفت‌بخشی به هستی تعریف کرده است.

چنین امیدی یعنی امیدی که خداوند از خود، جهان و انسان برمی‌سازد و به جای اینکه انسان را به یک کنشگر منفعل و پذیرنده مبدل سازد او را به «سوره‌ای فعال» مبدل می‌سازد که برای رسیدن، کاویدن و دست‌یافتن به آنچه که اراده کرده است، به پویایی و کاوش وامی‌دارد. این تلقی از دین با نگرش ارنست بلوخ که انسان را واجد ایمان و امید انقلابی می‌داند، انطباق دارد و با این تفکر دینی و الهیات دینی، موتور محرکه تلاش، کاوش، پویایی، ایستادگی، مقاومت و میل به اراده معطوف به عمل را به انسان می‌بخشد. آنچه در امید بشارت‌دهنده اهمیت دارد، انتهای راهی است که به نجات و رستگاری می‌انجامد، رستگاری این جهانی که غلبه معرفت و عقلانیت بر جهل و بی‌خبری از حقیقت و سرخوشی از کامرانی‌های موقت و غیرهدفمند است و رستگاری آن جهانی که رسیدن به حقیقت، سلامت و مقام امن و آرامش ناشی از درک مقام انسانی و اتصال به کانون علم و معرفت ابدی است. مؤلفه‌های امید در اندیشه اسلامی از نگاه بشارت و نجات واجد شاخص‌هایی همچون معنایابی و خوش‌بینی، پویایی و نشاط، پایداری، استقامت و صبوری، اخلاق‌اندیشی و فضیلت‌گرایی، کسب آرامش، ثبات و سکینه درونی در مسیری است که انتهای آن فلاح، نجات و رستگاری است. خداوند با زبان نمادین در یکی از سوره‌های قرآنی (سوره واقعه) اندیشه نجات و راه نهایی کسب حقیقت انسانی را با تیپولوژی از انسان‌ها بازنمایی می‌کند. «سابقونی»^۲ که به نعمت آگاهی، امنیت، اتصال به حقیقت معرفت و خروج از حیرانی و

۱. وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ (سوره قصص، آیه ۵)

۲. سوره واقعه، آیه ۲۶-۱۰

سرگشتگی دست می‌یابند، از میوه درخت آگاهی، دانش و معرفت و شراب مسحورکننده علم و اندیشه و خویش‌شناسی و جهان‌شناسی بهره‌مند می‌گردند که نتیجه آن بهره‌مندی از آرامش، پذیرش حقایق هستی، بهره‌مندی از دریای ایمان و تأیید و قرار گرفتن در ظل علم و امنیت درونی و غایی است. «مقام سلام»^۱ (اصحاب یمین) هم شامل کسانی است که آنان نیز در مسیر آگاهی، معرفت، کشف حقایق و حفظ امید، ایمان و عشق به مبدأ هستی و کسب آرامش درونی حرکت کردند که نتیجه کارکردی آن عبور از ظلمات جهل و دره‌های تاریک بی‌خبری و حرمان است. اصحاب جهل (اصحاب الشمال)^۲ بی‌خبری، عدم آگاهی و دنائت را به‌عنوان الگوی رفتاری و معرفتی برگزیدند که نتیجه آن «سموم» و «حمیم»^۳ است که تلخی زهرآگین آن به‌دورافتادن از مقام دانش و بی‌خبری مطلق ناشی از بی‌بهرگی از امکان تغییر و یافتن حقایق خویش‌شناسی و یا تحقق آن است. قرآن تأکید می‌کند «يَصْرِوْنَ عَلَى الْحِنثِ الْعَظِيمِ»^۴ بر گناهان خودشان که تهی شدن از حقیقت انسانی و بهره‌مندی از حقیقت معرفت است پای فشردند، یعنی بر شک، گمان و انکار خود پایداری کردند و حاضر نشدند ایمان، آگاهی و امید را که سه رکن اساسی زندگی و ماهیت بشر است، مورد توجه قرار دهند و با بیگانگی و بی‌تفاوتی، رنج بی‌خویش‌شناسی را بر خود تحمیل کردند. اینان چون شتران تشنه از زقوم جهل می‌نوشتند درحالی‌که ماهیت و فطرت آنها تشنه حقیقت است و این دانش‌های کاذب مانع رسیدن به ماهیت دانش، آگاهی و علم به کشف حقایق می‌شود. اینها محروم هستند، محروم از کامیابی ناشی از درک ماهیت هستی و رسیدن به کانونی از آرامش، بصیرت و آگاهی.

بنابراین امید بشارت‌دهنده، هم انسان را در سطح فردی به رهایی و نجات و رسیدن به رستگاری معرفتی و هویتی بشارت می‌دهد و هم جامعه بشری را مستعد تغییرات می‌داند و به آنچه که منجر به عدل، آگاهی و نجات و کسب حقیقت می‌گردد، بشارت می‌دهد. در این مسیر، در وجود بشر نیاز به تغییر به ودیعه گذاشته شده است که باید خود او به فعلیت‌بخشی آن همت گمارد.

۲-۳- امید استعانتی یا امید سرمایه‌ای^۵

در جامعه‌شناسی، بهره‌مندی از پشتوانه‌های اجتماعی در نقش سرمایه اجتماعی^۶ تعریف

۱. سوره واقعه، آیه ۴۰-۲۷

۲. سوره واقعه، آیه ۴۱

۳. سوره واقعه، آیه ۴۲

۴. سوره واقعه، آیه ۴۶

5. Capital hope
6. Social capital

می‌گردند که فرد می‌تواند به پشتگرمی و استظهار آن، آرامش و امنیت روانی بیشتر و احساس وابستگی و اتکاء افزون‌تری را تجربه نماید. رشد سرمایه‌های اجتماعی، منشاء تقویت و تثبیت همکاری، امنیت، امید و اعتماد متقابل است. انسان همیشه نیازمند نقاط اتکاء و کانون‌های حمایتی‌ای است که از وی در برابر کمبودها، ناملازمات و فشارهای روانشناختی و یا اجتماعی و اقتصادی حمایت نماید. بهره‌مندی از این کانون‌های حمایت‌کننده ضمن آنکه می‌تواند رضایت‌مندی افراد را از بهره‌مندی سرمایه‌های تقویت‌کننده و پشتیبانی‌کننده افزایش بخشد، باعث ارتقاء سطح امید، اعتماد و تعلق اجتماعی نیز می‌گردد.

باورهای دینی و آموزه‌های اسلامی نیز سرشار از الگوهایی است که فرد را به کانون بی‌نهایت هستی پیوند داده و سرمنشاء استعانت و طلب یاری از آن است. نقش کارکردی «نیایش» در ایجاد نشاط و امید نه تنها مورد تأکید ادیان الهی است که حتی نظریات و مکاتب روانشناختی نیز به تأثیرات آن در رفع سرخوردگی‌های روانشناختی و فشارهای عصبی تأکید می‌نمایند.

پیوند و رابطه با خداوند منشاء دل‌بستگی، احساس پشتیبانی و اتکال به کانون هستی است که نشاط‌آفرین و تهییج‌کننده است. «انسان دینداری که با دل‌گرمی تزلزل‌ناپذیر، راسخ و شادمانه به خدا، امید و رستگاری اعتماد می‌ورزد و بر او تکیه می‌کند و رابطه‌ای صمیمی و زنده با او دارد، از پیش بر مرگ و نابودی غلبه یافته است، ارتباط و دوستی او با خدا برای همیشه باقی می‌ماند» (هایلر، ۱۳۹۳: ۲۹۱). نیایش و دعا در نقش اظهار اطمینان به مبدأیی است که از قدرت، خیر و حمایت مطلق برخوردار است و بشر را به‌عنوان مخلوق خود، تحت حمایت خویشتن قرار می‌دهد. نیایش و دعایی که پیامبران بر آن تأکید کرده‌اند و قرآن در قالب دعا و یا دعوت به دعا به آن اشاره می‌نماید، سرشار از روح طلب و خواستن است که بشر با امیدی وصف‌ناپذیر و ایمانی درونی آن را جستجو می‌نماید. «خداخیر مطلق ایستا و خیرشخصی نیست، بلکه موجودی است که می‌اندیشد، احساس می‌کند و می‌خواهد. بنابراین مؤمنان با توسل به علائق و منافع از او یاری می‌طلبند، از مهربانی و رحمت او در کردارهای سابقش یاد می‌کنند و وی را به آن ترغیب می‌نمایند و به دادگری و حقانیت الهی او امیدوارند (وولف، ۷۳۳). از نگاه هایلر^۱، نیایش هم آرزوها و امیدها را تعمیق می‌بخشد و هم اشتیاق و شور را در افراد برمی‌انگیزد، او در این زمینه بیان می‌دارد: «اگرچه اظهار نیاز از طریق شکوه و استغاثه، محتوای اصلی نیایش پیامبرانه است، اما اغلب به طور ناگهانی و بی‌اختیار جای خود را به حالتی از اطمینان و آرامش می‌دهد؛ پس چنین نیایشی، گاه به اظهار اعتماد و توکل،

۱. هایلر، فردریش (۱۳۹۳)، «نیایش؛ پژوهشی در تاریخ و روانشناسی دین، شهاب‌الدین عباسی، نشر نی، چاپ دوم

تسلیم و رضا، سپاسگزاری و ستایش و اشتیاق آرزو می‌انجامد. اگرچه نیایش پیامبرانه مانند هوشیاری عارفانه معطوف به یک خیر مطلق برتر است، اما هرگز در شور و جذبه اتحاد محو نمی‌گردد و در جریان نیایش رابطه میان بنده و خدا به صورت رابطه‌ای پویا و اجتماعی باقی می‌ماند» (هایلر، ۱۹۳۲: ۲۸۵-۱۰۴). کارکرد نیایش که در تمامی ادیان الهی مورد تأکید است، از نگاه هایلر در این عبارت تشریح گردیده است: «جوهره نیایش، ارتباط زنده انسان دینی با خداست که امری شخصی و حاضر در تجربه تلقی می‌شود. ارتباطی که بازتاب روابط اجتماعی انسان است. ریشه روانشناختی و مشترک همه نیایش‌ها، خواه منفعت‌طلبانه و خواه اخلاقی یا صرفاً دینی، تلاش برای اصلاح و بهبود زندگی است. نیایش بیانگر تمایلی اساسی به یک زندگی والاتر، غنی‌تر و پرشورتر است. نیایش هسته دین و اساس هرگونه پارسائی است (همان ۳۶۳ - ۳۵۵).^۱ با این تعبیر نیایش عامل اتکال، اتصال، امید و میل به فراتر رفتن و پیوستن به کانونی است که هم به آن اعتماد داریم و هم ایمان داریم که او به ما یاری خواهد کرد و خیرخواه ماست. همین روح و ایمان درونی است که موجب می‌گردد پاسکال ملتسمانه بگوید: «ای خدای من! چنان کن که فیض فراگیر و نیرومندت کیفرهایت را بر من شفاعت بخشد کند» و مارتین لوتر در نیایش‌های خود می‌گوید: «خدای عزیز! بر من فرمان بران و هدایت کن تا با چشمان روحانی بتوانم بیماری و ناتوانی را که به میراث برده‌ام را تشخیص دهم و به این طریق به معرفت درست مسیح رهنمون گردم و تحت حکم روح مقدس تو در آیم و به مددش پاک و پیراسته شوم و تقدس یابم (هایلر، ۳۸۵).

در آموزه‌های اسلامی نیز این روح نیایشگر و امیدبخش، هم در قرآن کریم مورد اشاره است و هم در رویکرد و رفتار بزرگان دینی متجلی است. خداوند در قرآن تأکید می‌نماید «ادعونی استجب لکم». ^۲ دعوت به دعا و درخواست از خداوند را خود خداوند تعلیم می‌دهد و از انسان‌ها برای تمامی ادوار و اعصار می‌خواهد که آنچه نیاز دارید را از خداوند بخواهید تا پاسخگوی خواست‌ها و مطالبات شما باشد. حتی خداوند تأکید می‌نماید اگر دعا، درخواست و اعتنای شما برای پیگیری مطالبات نباشد، خداوند احساس بی‌نیازی شما را پاسخ نخواهد داد و قدر و ارزشی برای آن قائل نخواهد بود. ^۳ خداوند در آیات دیگری از قرآن کریم ^۴ تأکیداً به پیامبرش سفارش می‌کند که خداوند پاسخگوی درخواست‌ها و مطالبات

1. Heiler, Friedrich (1932), A study in the History and Psychology of religion, Oxford university

۲. سوره غافر، آیه ۶۰

۳. سوره فرقان، آیه ۷۷

۴. و اذا سألک عبادی عنی فإنی قریبٌ أُجیبُ الداع إذا دعانِ؛ و هرگاه بندگانه دربار من بپرسند بگو که من به آنها نزدیک و دعای هر دعاکننده را هنگامی که دعا می‌کند اجابت می‌کنم. (سوره بقره، آیه ۱۸۶)

بندگانش است هنگامی که او را بخوانند. این در حالی است که خداوند مکرراً دعای انبیاء و رسولان الهی را به هنگام تضرع و استغاثه به درگاه خداوند، بیان کرده است تا به انسان تعلیم بخشد که پیامبران نیز برای رسیدن به نیازها و مطالباتشان، راه درخواست و نیایش را پیموده‌اند. قرآن کریم به انسان گوشزد می‌کند که به جای یأس، سرخوردگی و احساس درماندگی و نومیدی، به درگاه خداوند استعانت آورده تا با اتکاء و توکل به او به آنچه می‌خواهد، دسترسی یابد. این رویکرد در ذات و ماهیت خود امید را به پیروان خویش ارزانی می‌دارد تا با ارتباط صمیمی، متضرعانه و بی‌تکلف با خداوند برای رسیدن به مقاصد، به حمایت الهی امیدوار باشند. بنابراین دعا و نیایش یکی از مکانیزم‌های اساسی امیدآفرین در آموزه‌های قرآنی است که انسان می‌تواند با ارتباطی صمیمی، مستمر و عاری از هرگونه شک و تردید با خداوند و مبدأ هستی برای رسیدن به مقاصد خویش امیدوارانه او را بخواند و بجوید. در یکی از آیات قرآن کریم، خداوند توکل، تقوی و ایمان را منشاء ایجاد راههای جدید برای تحقق اهداف دانسته و تأکید می‌نماید توکل به خداوند برای انسان کفایت چراکه خداوند از راهها و شیوه‌ها و به‌گونه‌ای پاسخگوی انسان خواهد بود که در محاسبات متداول انسانی چندان قابل احصاء و برآورد نیست.^۱ عطیه خداوند به انسان بر مبنای آنچه در ذهن و باور درونی انسان است، تعلق می‌گیرد و نه صرفاً آنچه بر زبان جاری می‌شود. اینکه فرموده است عطیه به مقدار نیت است، منظور این است که استجاب همواره مطابق دعاست. پس خداوند آنچه درخواست‌کننده برحسب عقیده قلبی و حقیقت ضمیر خود از خدا می‌خواهد را به او می‌دهد و نه آنچه که گفتارش و لقلقه لسانش اظهار می‌دارد. چون بسیار می‌شود که لفظ آن‌گونه که باید مطابق با معنای مطلوب نیست (طباطبایی، ۱۳۷۴، جلد ۱: ۵۲).

از نگاه برخی از بزرگان دینی حتی دعا را هم خود خداوند بر لسان و زبان انسان جاری ساخته و حال دعا را برای انسان پدید می‌آورد:

هم دعا از تو، اجابت هم ز تو یمنی از تو مهابت هم ز تو^۲
 چون خدا از خود سؤال و کد کند بس دعای خویش را چون رد کند^۳

بنابراین نیایش و دعا گفت، خواست، ارتباط و سرمایه‌ای است که از طریق آن فرد با اتصال و اتکال به خداوند، امید را در خویشتن پرورش داده و منتظر لطف و رحمت خداوند نسبت به خواست خویش می‌ماند. تأکید خداوند به اجابت از یک‌سو و باور مؤمنان به

۱. سوره طلاق، آیه ۳

۲. مولوی، مثنوی معنوی، دفتر دوم

۳. مولوی، مثنوی معنوی، دفتر پنجم

خیرخواهی و پاسخگویی خداوند از سوی دیگر، ضریب همدیگر را در جهت مثبت تقویت کرده و بارقه‌های امید را بر فرد می‌گشاید. بنابراین هنگام دعا و نیایش چند بنیان اساسی وجود دارد که توجه و تحلیل دقیق آن علت تأثیر دعا بر امیدواری فرد را تبیین می‌نماید.

برخی از زیرساخت‌هایی که به هنگام نیایش برای فرد دعاکننده پدید می‌آید عبارتند از: ۱- باور به وجود خداوند ۲- باور به شنیدن صدای دعا توسط خداوند ۳- باور به توانایی خداوند برای پاسخگویی به درخواست‌های دعاکننده ۴- باور به خیرخواهی و کمک‌کنندگی خداوند ۵- باور به یاری، مساعدت و پاسخگویی او ۶- باور به حل مشکل از جانب خداوند. این‌گونه است که امید در دل نیایشگر جوانه می‌زند و با تمام وجود با مبدأ بی‌نهایت امیدآفرین ارتباط برقرار می‌شود.

امید استعانت‌جویانه، نقطه اتکا و سرمایه کاملی است برای افرادی که بر مبنای ضمیر درون و فطرت حقیقی انسان، از آن برای دستیابی و امیدواری بهره‌جویی می‌کنند.

۲-۴- امید استعلایی (امید متعالی)

پل تیلیچ معتقد است: «فقط ایمان واقعی می‌تواند تاب و توان معنوی لازم را برای جستجوی صادقانه هدف و معنای زندگی در اختیار انسان قرار دهد».^۱ از نگاه دینی، امید استعلایی یعنی امید به پیوند و یگانگی به کانون هستی، اتصال به مبدأ و خالق آفرینش، پیوستن به سرچشمه حیات و آگاهی از مقصد و مقصود جهان و گسستن از تیرگی خیال و اوهام ناشی از خداناباوری و مآل‌اندیشی. این نوع امید یعنی ارجاع انسان به حقیقت هستی و کمال و اوج عشق و پیوند که روح تعالی جو و لایتنای طلب انسان مداوم به سوی آن گرایش دارد و هیچ عنصر محدود و دارای تنهایی نمی‌تواند آن روح جوینده را اقناع کرده و به سکون برساند. قرآن در این‌باره انسان را به سوی غایتی که متصل به کانون هستی است فراخوانده و از آن به مقام «راضیه» و «مرضیه» که اوج دستیابی انسان به مقام امن و رضایت درونی است یاد می‌کند.^۲ این نوع مقام، رسیدن به مقام اطمینان است که در آن تردید، شک، ابهام و بی‌خبری راه ندارد. بنابراین امید متعالی یعنی فراتر رفتن و رهایی از امیال و هوس‌های اغواگر و اتکا به کانونی از عشق، زیبایی، جلال و شکوهی سرشار که با سرشت، ضمیر درونی و فطرت انسان پیوند خورده است و آن را به سوی غایت بی‌نهایت متمایل می‌سازد. امید استعلایی باعث می‌گردد که انسان پس از فراتر رفتن از مرزهای میل، خواهش، نیاز و حتی دانش و علم، در

۱. Tillich, P(2001), Dynamic of faith

۲. یا ایها النفس المطمئنه ارجعی الی ربک راضیه مرضیه (سوره فجر، آیات ۲۷ و ۲۸)

آینه کمال‌خواه خویش صورتی از اتصال و اتکال به مبدأ هستی را ببیند. امیداستعلایی آنگونه که در قرآن مورد اشاره و تعریف قرار گرفته یعنی یافتن پاسخی متقاعدکننده از مقصد و مقصود نهایی که جان و روح آدمی مشتاقانه آن را می‌جوید، اما موانع فیزیکی، امیال درونی و یا جبرهای اجتماعی مانع ادراک و تفهم آن گردیده‌اند. این نوع امید، انسان را از اهداف و مقاصدی که نمی‌توانند روح تعالی طلب انسان را در پاسخگویی به نیازهای محدود متقاعد سازند، جدا ساخته و به نقطه‌ای بی‌نهایت که مطلوبیت آن منوط به حرکت بی‌وقفه و جهش از دنیاهای تنگ نسبت و تکثر است، برساند.

قرآن کریم پایان رنج و سختی انسانی را ملاقات، اتصال، مشاهده و همنوایی با خداوند معرفی می‌نماید. «ای انسان همانا که تو البته با هر رنج و مشقتی به سوی پروردگارت پیش می‌روی تا به دیدار او برسی»^۱.

راه بی‌نهایت و نهایت راه انسان از منظر خداوند به خود او منتهی می‌شود تا انسان طعم دیدار و رسیدن به اوج قلّه مقصود که خود خداوند است را بچشد. این آیه رنج و محنت انسان را نه تنها پایان‌پذیر می‌داند، بلکه آنچه در پایان برای انسان به تصویر می‌کشد، رسیدن و ملاقات با خداوند است. این ملاقات برای چیست، آیا جنبه استعاری دارد و یا حقیقی؟ کارکرد و نتیجه این ملاقات چیست؟ حس انتظار و امید به اینکه انسان در انتهای مسیر پرنج خویش خداوند را ملاقات خواهد کرد، از نگاه روانشناختی واجد چه کارکردهایی است؟ قطعاً امید به ملاقات با کانون هستی، که خود را با اوصاف بسیار جذاب و زیبا معرفی کرده است، برای انسان حسی از امید، کمال، تعالی و پیوند را ایجاد می‌نماید که درد، مصائب و محنت ناشی از زندگی و مشکلات آن را کم‌بها خواهد کرد. امید دینی از نظر بنیان‌ها به‌گونه‌ای تصویرسازی شده است که انسان به جای نگرستن به محدودیت‌ها و یا حلاوت‌های ناشی از ارضاء نیازها در سطح امور معیشتی، به کانون‌های والا و متعالی‌ای بیندیشد که در پایان مسیر طولانی حیات و زندگی پس از مرگ، برای وی تصویر شده است.

۲-۵- امید تعمیم یافته (امید فراگیر)^۲

گرچه عمده بشارت‌های امیدبخش در قرآن کریم متوجه کسانی می‌گردد که درون دینی معرفی شده‌اند و از شاخص‌هایی همچون «ایمان»، «عمل صالح» و «اهل جهاد» برخوردارند، اما در قرآن آیاتی وجود دارد که نشان می‌دهد خداوند دایره شمولیت امید را فراتر برده به‌گونه‌ای که

۱. یا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ إِنَّكَ كَادِحٌ إِلَىٰ رَبِّكَ كَرْحًا فَمَلَأْ بِهِ (سوره انشقاق، آیه ۶)

هیچ‌یک از ابناء بشر محروم از آن نیستند. برخی از آیات، امید را صرفاً متوجه مؤمنان می‌نماید و «کفار»، «گناهکاران»، «فاسقان»، «مشرکان»، «ظالمان» و ... از شمول رحمت و غفران الهی خارج می‌گردند؛ برای مثال در برخی آیات امید صرفاً متوجه کسانی است که امیدوار به ملاقات خداوند باشند.^۱ در برخی از آیات نیز تنها کسانی که عمل صالح انجام دهند مثل هجرت و جهاد در راه خداوند، مستحق بهره‌مندی از رحمت و غفران الهی هستند.^۲ برخی از آیات نیز صراحتاً تأکید می‌کند هر کسی ایمان به خدا داشته باشد صرف‌نظر از نوع دین و ایمان، بهره‌مند از لطف و رحمت خدا شده و تنها کافران هستند که از رحمت خداوند دچار یأس و کفر می‌گردند: «از رحمت و روح خداوند مأیوس نمی‌گردند مگر کسانی که کفر ورزیده‌اند».^۳ این آیات همگی گویای این حقیقت است که بهره‌مندی از ایمان، هر گونه یأس، سرخوردگی و ناامیدی از خداوند را ملغی ساخته و تمام مؤمنان اعم از پاکان، صالحان، خالصان و ... مشمول لطف و رحمت الهی هستند و در دنیا و آخرت می‌توانند از غفران و بخشش الهی و رضوان و بهشت که متضمن رستگاری و عفو خداوندیست، بهره‌مند باشند. اما در برخی از آیات قرآن کریم، اشاره‌های مستقیمی قابل مشاهده است که نشان می‌دهد شمولیت رحمت و امید تنها متوجه کسانی نیست که در زمره ایمانیان، مؤمنان و صالحان باشند، بلکه نوع اشارات خداوند صراحتاً متوجه «انسان» و به‌ویژه کسانی است که دچار انحراف، کجروی، گناه، ظلم و اصراف بر خویشتن شده‌اند. یکی از آیاتی که صراحتاً امید را در قالبی تعمیم‌یافته و فراگیر مورد تأکید قرار می‌دهد، بیان می‌دارد «ای بندگان من که بر خویشتن زیاده‌روی و گناه روا داشتید از رحمت خداوند ناامید نباشید، خداوند تمامی گناهان را می‌بخشد».^۴ آثار کارکردی ناامیدی به حدی نگران‌کننده و تخریب‌گر است که خداوند برای ایجاد امید و شوق به انسان حتی گناهکاران و حتی کسانی که دچار کفر، شرک و لادری‌گری شده‌اند، آنان را به امید و نجات دعوت می‌نماید. استفاده از مفهوم «إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ لِلذُّنُوبِ جَمِيعاً» در کنار خطاب قرار دادن کلیت بشریت در قلب واژه «عبادی» گویای این حقیقت است که برای تمامی انسان‌ها خداوند امید را مژده می‌دهد و هیچ فرد، گروه، قوم و ... را از دایره امید خارج نساخته و همگان را به امیدواری دعوت می‌نماید. واژه «بندگان من» وسعتی به پهنای تاریخ و تمام بشریت یافته و هیچ کسی از آن خارج نمی‌گردد. این نوع

۱. مَنْ كَانَ يَرْجُو لِقَاءَ اللَّهِ فَإِنَّ أَجَلَ اللَّهِ لَآتٍ وَ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ (سوره عنکبوت، آیه ۵)

۲. فَمَنْ كَانَ يَرْجُو لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا وَ لَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ اِحْدًا : هر کس به لقاء پروردگارش امیدوار است باید عمل

صالح به‌جا آورد و هرگز در پرستش خدایش احدی را با او شریک نگرداند. (سوره کهف، آیه ۱۱۰)

۳. وَ لَا تَأْسُوا مِنْ رُوحِ اللَّهِ اِنَّهُ لَا يُؤَسُّ مِنْ رُوحِ اللَّهِ اِلَّا الْقَوْمُ الْكَافِرُونَ (سوره یوسف، آیه ۸۷)

۴. قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعاً (سوره زمر، آیه ۵۳)

امیدبخشی قرآن برآمده از «قاعدۀ لطف الهی» است که حتی شیطان نیز علیرغم تمامی رفتارهای جنایت‌آمیز خود، به رحمت و بخشش الهی امیدوار است. علت اینکه خداوند به تمامی بشریت امید را نوید می‌دهد، خود دلیل آن را در آیات دیگر بیان داشته است. قطع امید نسبت به خداوند منشاء فساد، تبهکاری، طغیان و شقاوت‌هایی معرفی شده است که انسان را به تباهی خواهد کشانید.^۱ از نگاه تحلیلی قرآن کریم، امید «نیازی تعمیم‌یافته» است که در تصویرسازی از آن باید کلیت بشریت از آن بهره‌مند گردند. روانشناسی و جامعه‌شناسی مدرن نیز با اتکاء به اهمیت نقش امید در زندگی فردی و جمعی آن را یک «نیاز» و یک «ضرورت بنیادین» برای کسب آرامش، تصویر و حتی آن را در قالب شاخص‌های اصلی «سرمایه اجتماعی» تلقی و تعریف می‌نمایند. در نگاه قرآنی مسئله امید تا آن حد اهمیت می‌یابد که خداوند مؤمنان را با صفت امیدواری به خدا می‌ستاید و ناامیدی از رحمت خدا را به کفر نسبت می‌دهد.^۲

بدین طریق می‌توان تأکید کرد خداوند در تصویرسازی از امید در برخی آیات، امید را در قالبی تعمیم‌یافته و شامل که متضمن تمامی انسانها می‌گردد، تجسم کرده و آن را صفتی عام تعریف می‌نماید که همگان مشمول آن می‌گردند.

۲-۶- امید ابزاری یا امید پاداش‌دهنده^۳

این نوع امید مبتنی بر سرشت منفعت‌اندیش بشر است که مداوماً در حال حسابگری و برآورد کردن پاداش و هزینه خود است؛ همانگونه که در زندگی دنیوی نیز میل به محاسبه و عقلانیت هدفمند که مبتنی بر انتخاب بر اساس سود و زیان است، بر کنش‌های بشری غلبه دارد. قرآن نیز با علم بر ماهیت حسابگرانه بشری در تصویرسازی از امید توجه به این وجه سرشتی بشر را در دو قالب و بر مبنای دو نوع نیاز مورد توجه قرار داده است. توجه به نیازهای اولیه بشر با وعده بهشت که تصویری کاملاً این جهانی از آن برمی‌سازد و انسان را به بهره‌مندی از تلذذ و تمتعات مادی، جسمانی و بهره‌مندی‌های مبنی بر رفاه و برخورداری از حض، مسرت و زندگی مشحون از عوامل و زمینه‌های خوشی‌آفرین و رضایت‌بخش وعده می‌دهد. این نوع تصویرسازی در جای جای قرآن مورد تأکید است و با واژه‌هایی همچون

۱. سوره یونس آیات ۷، ۸، ۱۱، ۱۵ و سوره فرقان، آیه ۲۱

۲. سوره یوسف، آیه ۸۷

جنت نعیم^۱، مقام سلام^۲، همسران زیبا^۳، تمتعات مادی^۴، آسایش و راحتی^۵، مساکن راحت و آرام^۶ و... تصویری از بهشت ارائه می‌گردد که سراسر مبتنی بر نیازهایی است که بشر در این جهان، بخش زیادی از تلاش و هم‌خویش را معطوف و مصروف دسترسی به آن می‌نماید. حتی خداوند برای اطمینان‌بخشی به بشر از اینکه این تمتعات مستمر است از واژه‌هایی همچون قطع ناشدنی و عدم ممنوعیت^۷ استفاده می‌کند تا این یقین را برای بشر فراهم آورد که دنیای بعد از مرگ، تزلزل‌ها و اضطراب‌های دنیوی که مبتنی بر عدم دسترسی و یا عدم اطمینان ناشی از کف دادن مواهب است را نداشته و آخرت، جهانی است که در آن این انعام در روندی بی‌نهایت استمرار خواهد داشت. از سوی دیگر قرآن تلاش دارد نیازهای دیگر بشر را نیز که نیاز به اطمینان، آرامش و مقام امن است را در سطحی فراتر از ابعاد مادی پوشش دهد و به کسانی که در ادراک از خویشستن به نیازهای ثانویه تأکید دارند، وعده معرفت‌زایی، رسیدن به مقام آگاهی و به‌ویژه مشاهده و دیدار خود را وعده می‌دهد. واژه «لقاء الله» مفهومی است که خداوند برای امیدواران و صالحان به کار می‌برد تا آنان را نسبت به رسیدن به بالاترین مرتبت معرفتی وعده داده و اوج امیدواری را در آنها فراهم آورد.

بنابراین خداوند مداوماً و از طریق وعده پاداش، تلاش دارد از ایجاد یأس و سرخوردگی بشر ممانعت کند و تصویری از حقیقت آینده را بسازد که بشر در آینده آن بجز زیبایی، بهره‌مندی، نشاط و برخورداریهایی که می‌تولند منشاء تلذذ و یا اوج معرفت‌خواهی و دسترسی به حقایق هستی و رازدایی از عالم باشد، نبیند.

۲-۷- امید بازسازی کننده (امید جبران‌کننده یا امید ترمیم‌کننده)^۸

قدرت امید به عنوان یک نیروی انگیزشی در تمام دوران معاصر مورد بحث بوده است (بهاری، ۱۳۹۳: ۲۴ به نقل از لویز و همکاران، ۲۰۰۷). اشنایدر، امید را مجموعه انگیزشی مثبت می‌داند که مبتنی بر حس پایوری و راهیابی ناشی از تعامل با محیط است. به تعبیر دیگر، امید، ظرفیت تصور توانایی ایجاد مسیرهایی به سمت اهداف مطلوب و تصور داشتن

۱. فی جَنَاتِ النَّعِيمِ (سوره واقعه، آیه ۱۲)

۲. إِلَّا قَلِيلًا سَلَامًا سَلَامًا، فَسَلَامٌ لَّكَ مِنْ أَصْحَابِ الْيَمِينِ (سوره واقعه، آیات ۲۶ و ۹۱)

۳. وَحُورٌ عِينٌ، وَفُرُشٌ مَرْفُوعَةٌ (سوره واقعه، آیات ۲۲ و ۳۴)

۴. وَفَاكِهَةٌ مِمَّا يَتَخَبَّرُونَ (سوره واقعه، آیه ۲۰)

۵. فَرُوحٌ وَرِيحَانٌ وَجَنَّةٌ نَعِيمٍ (سوره واقعه، آیه ۸۹)

۶. فِي سِدْرٍ مَخْضُودٍ وَطَلْحٍ مَّنْضُودٍ وَظِلٍّ مَّمْدُودٍ (سوره واقعه، آیات ۲۸ تا ۳۰)

۷. لَا مَقْطُوعَةَ وَلَا مَمْنُوعَةَ (سوره واقعه، آیه ۳۳)

انگیزه برای حرکت در این مسیرهاست (اشنایدر، ۲۰۰۰)^۱، با این تعبیر، امید موتور اصلی حرکت و پویایی بشر است و چنانچه این نیروی درونی رو به خاموشی نهد جایگزین روشن و آلترناتیو کارآمدی که بتواند کارکردهای آن را به درستی انجام دهد، وجود ندارد. ساموئل جانسون، نویسنده قرن هجدهم، گفته است «امید خود گونه‌ای از شادی و شاید بزرگترین شادی و موهبتی است که این دنیا می‌تواند ارائه کند» (سیولی، ۱۳۹۱: ۱۷). بنابراین حفظ این موهبت و صیانت از آن حتی برای کسانی که دچار انحراف از حقیقت شده‌اند و یا در دام رفتارهای تخریب‌کننده و فسادانگیز افتاده‌اند، یک ضرورت است. ادیان تلاش دارند تمامی مساعی خود را فراهم آورند تا راه بازگشت، ترمیم و بازسازی بشر را حتی در آخرین لحظات و با حفظ کوچکترین منافذ، حفظ نمایند. ادیان الهی حتی آنگاه که سخن از تأدیب و تنبیه می‌نمایند، به معنای انتقام نیست، بلکه غایت آموزه‌های دینی، بازسازی و ترمیم و ایجاد زمینه برای بازگشت است.

گرچه می‌گفت که زارت بکشم می‌دیدم که نهانش نظری با من دل‌سوخته بود^۲ در تمامی ادیان الهی مسئله «توبه» مکرراً مورد تأکید قرار گرفته تا راه ترمیم، اصلاح، بازسازی و امکان بازگشت افراد را فراهم آورده و از فرو افتادن انسان به دام‌های وهم‌آلود یأس و فروپاشی که در قالب‌هایی همچون شرک، پوچ‌گرایی، الحاد و گناه احتمال وقوع دارد، ممانعت و در صورت ابتلاء راه نجات را بنماید.

اسلام حتی پا را از این فراتر نهاده و تأکید دارد کسی که از رفتارهای ناهنجار (گناه) بازاندیشی کرده و به ماهیت تخریب‌کننده آن وقوف یابد همانند کسی است که آن رفتار را انجام نداده است.^۳ از نگاه دینی بازگشت فرد بسیار اهمیت دارد تا هم از حقیقت وجودی و روند تعالی و تکاملی خود فاصله نگیرد و هم آنکه بتواند از آثار کارکردی ناشی از حضور و تأثیرات افراد منحرف که شالوده معرفتی و رفتاری سایر اجزای جامعه را با اختلال و انحراف مواجه می‌سازند، ممانعت نماید. قرآن تأکید دارد که خداوند بازگشت‌کنندگان و توبه‌کاران را دوست دارد.^۴ خداوند در معرفی خود تأکید می‌نماید «و او کسی است که از بندگانش توبه را می‌پذیرد و از گناهان آنها درمی‌گذرد».^۵ در قرآن حتی مسئله را از این فراتر برده و بر این امر تأکید می‌نماید کسانی که درصدد بازگشت، توبه و ترمیم رفتار و ادراک‌های نادرست خود برآمده و درصدد

1. Snyder, C (2000, Hand book of hope: Theory, Measures, and Applications, Academic Press

۲. دیوان حافظ

۳. کلینی، اصول کافی، دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ ق، ج ۲: ۴۳۵

۴. إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ التَّوَّابِينَ (سوره بقره، آیه ۲۲۲)

۵. وَهُوَ الَّذِي يَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنْ عِبَادِهِ وَيَعْفُو عَنِ السَّيِّئَاتِ وَيَعْلَمُ مَا تَفْعَلُونَ (سوره شوری، آیه ۲۵)

بازگشت به اصالت خویشتن باشند نه تنها این راه برای آنها مسدود نیست بلکه بشر برای بهره‌مندی از آگاهی و برخورداری از میوه درخت حقیقت، در صورت بازگشت از آنچه در قالب رفتار منحرفانه و گناه انجام داده است نه تنها بخشوده می‌شود بلکه تماماً تبدیل به نیکویی، خیر و ثواب می‌گردند.^۱ با این تعبیر می‌توان به لحاظ جامعه‌شناختی بر این امر تأکید کرد که اصلاح اجزای جامعه به قدری اهمیت دارد که بالاترین پاداش‌ها به آن اختصاص یافته است. بنابراین از نگاه دینی، «بازگشت» مکانیزی است برای امیدبخشی و ترمیم ذهنیت‌های منفی افرادی که دچار اختلالات رفتاری شده و پنداشته‌های آنان نسبت به خودشان منشاء فروپاشی و احساس تباهی در آنها گردیده است. توبه یکی از بزرگترین سازوکارهای امیدبخش برای تمامی افراد (حتی کسانی که دچار انحراف شده‌اند) محسوب می‌شود تا با اتکای به آن راه یأس، سرخوردگی، حرمان و پوچی مسدود شود.

از آنجا که انسان دائماً در معرض خطا، لغزش و اشتباهاتی است که می‌تواند منشاء تباهی، فروپاشی و فروافتادن به ورطه یأس، سرخوردگی و عدم اطمینان و نگرانی‌های ناشی از آن باشد، تمامی ادیان الهی به مسئله‌ی بازگشت و امکان ترمیم گناهان تأکید و آن را منوط به انتخاب فردی و انگیزش‌های درونی کرده‌اند. بشارت‌ها و مژده‌های فراوانی در تشویق بشر برای بازگشت ارائه شده، اما در اسلام این مسئله به یک الگوی بنیادین رفتاری - هنجاری تبدیل گردیده و مکرراً خداوند انسان‌ها را دعوت به ترمیم و بازگشت از مسیری کرده است که منشاء افزایش فاصله با فطرت و سرشت حقیقی انسان بوده و باعث خروج او از مسیر آرامش و سکینه درونی می‌گردد. تصویرسازی از هبوط آدم در نتیجه خطا و لغزش گناه و آرمزش خداوندی، الگویی است از نخستین حرکت ترمیمی خداوند که در قبال خطای انسانی آغاز گردیده است. انسان ترکیبی است از امیال، خواسته‌ها، محدودیت‌ها و آرمان‌هایی که هر کدام می‌توانند در ایجاد بستر و گزینش‌های رفتاری تأثیرگذار باشند. انتخاب‌های انسانی می‌تواند متأثر از امیال و گرایش‌هایی باشد که با هنجارها، اصول اخلاقی و یا بنیان‌هایی که با شالوده‌های فطری و ماهوی انسان در تعارض است. انجام چنین رفتارهایی بدون شک مصون از پیامد و آثار کارکردی در سطح فردی و اجتماعی نخواهد بود. توسعه و گسترش رفتارهای ناهنجار می‌تواند شالوده‌های نظم، انسجام، اعتماد، معاضدت و همکاری اجتماعی را فروپاشی کرده و نوعی تعارض متقابل را در پی داشته باشد. در سطح فردی انجام اعمالی که با معیارهای عقلانی و اخلاقی و یا اصول باورهای دینی در تضاد است مصون از پیامدها و عوارض فردی و اجتماعی نیست. ادیان تلاش کرده‌اند جهت پیشگیری از این رفتارها،

۱. اَلَا مَنْ تَابَ وَ اٰمَنَ وَ عَمِلَ عَمَلًا صَالِحًا فَاُولٰٓئِكَ يَبَدِّلُ اللّٰهُ سَيِّئَاتِهِمْ حَسَنَاتٍ وَ كَانِ اللّٰهُ غَفُورًا رَحِيْمًا (سوره فرقان، آیه ۷۰)

زمینه‌های لازم را پیش‌بینی کنند و مانع از ابتلاء افراد به رفتارهای تخریب‌کننده شوند و در صورت ابتلاء، راهکارها و مکانیزم‌هایی برای ترمیم رفتارهایی که آثار و عوارض آن متوجه فرد و اجتماع است را پیش‌بینی و پیشنهاد کرده‌اند. «توبه» راهی است که از فروافتادن افراد به ابتلائات اخلاقی و گناهایی که می‌تواند ثبات روانی و اخلاقی فرد را مضمحل کرده و باعث فروپاشی آرامش و پایداری جمعی شود، ممانعت می‌نماید.

قرآن کریم مستمراً و مداوماً ماهیت توبه را بازنمایی کرده و از طریق شیوه‌های متفاوت بر اهمیت کارکردی آن به‌ویژه در سطح فردی که مستلزم امیدآفرینی و تشویق برای تقویت میل به بازگشت است، تأکید دارد. در یک نگاه اجمالی، توبه در قالب کنش ترمیمی‌ای تلقی می‌شود که امکان بازگشت فرد به شرایط مناسب و ثبات رفتاری را هم به لحاظ روانی - ذهنی و هم از نظر کنشی - کارکردی، تقویت می‌نماید.

رویکردهای قرآنی به توبه در قالب‌های ذیل قابل دسته‌بندی است:

۱- اهمیت توبه برای حفظ امید و پایداری رفتاری در قرآن کریم گاهی آنچنان مهم تلقی می‌شود که امر به توبه می‌شود^۱ یعنی وجوب توبه برای حفظ امید فرد به پذیرش اصلاح.

۲- توبه به‌گونه‌ای تصویرسازی می‌شود که هیچ‌کسی از دایره شمولیت آن خارج نمی‌گردد و همگان با هر شدت و درجه‌ای از گناه و خطا می‌توانند با اتکا به توبه و بازگشت از مسیری که رفته‌اند، شرایط روانی و رفتاری خود را اصلاح کرده و به عفو و کرامت خداوند، امیدوار باقی بمانند.

۳- توبه در قالب اصیل از نگاه قرآنی نه‌تنها موجب بخشش، آمرزش و پاک شدن از گناه می‌شود بلکه خداوند برای افزایش ضریب تشویق بر این امر تأکید می‌نماید که بازگشت و توبه صحیح، سیئات و بدی‌های ناشی از خطاها و لغزش‌های گناه‌آلود را تبدیل به نیکویی و خیرات می‌نماید.^۲ این تبدیل، قبل از آنکه از جانب معیارهای ابزاری و حسابگری‌های عقل ابزاری مورد توجه باشد از نظر تأثیرات کارکردی آن از جنبه روانشناختی است. آثاری همچون زنده‌ماندن حس امید، تقویت و تثبیت پایبندی حس بازگشت و تعهد و استمرار به آن و به‌ویژه باور درونی به صحیح بودن گزینش بازگشت، مورد توجه قرآن است. قرآن حتی تأکید می‌نماید از کفار نیز توبه را می‌پذیرد^۳ و عبارت «يُحِبُّ التَّوَّابِينَ»^۴ اشاره به

۱. سوره نور، آیه ۳۱ و سوره تحریم، آیه ۸

۲. سوره فرقان، آیه ۷۰

۳. سوره نساء، آیه ۱۷

۴. سوره بقره، آیه ۲۲۲

دوست داشتن توبه‌کاران از جانب خداوند، تأکیدی است بر اهمیت مسئله توبه و حفظ میل به بازگشت و پایبندی توبه‌کنندگان به رجعت خود از مسیر خطا.

۴- توبه باید منشأ استمرار و بازگشت حقیقی باشد تا امید در جان و روح آدمی نفوذ کرده و گذشته را ترمیم و بازسازی نماید. مولتمان در این زمینه بیان می‌دارد: امید باید در جان و عمل مؤمنان نفوذ کند، چراکه این امید اگر تنها به طرز تفکر بسنده شده و در زندگی عملی انسان‌ها نفوذ نکند، تغییر اساسی در زندگی انسان رخ نخواهد داد. در این نگرش مفاهیم الهیاتی، حقیقتی ثابت را تداعی نخواهند کرد بلکه از طریق امید به مشارکت مؤمنان در آینده‌ای بهتر بسط خواهند یافت (Moltmann, 1993:15-20).

نتیجه‌گیری:

امید به‌عنوان یکی از نیازهای بشری در الهیات و آموزه‌های دینی کانون توجه است. آگاهی خداوند به ماهیت بشر و نیازها و حوائج وی در عین اهمیت بر ابعاد کارکردی آن در سطوح فردی و اجتماعی، موجب گردیده در پارادایم اسلامی، موضوع امید به مفهومی محوری مبدل گردد. مطالعه رویکرد قرآن نسبت به مفهوم امید، این حقیقت را بازنمایی می‌کند که خداوند امید را هم بطور مستقیم و بی‌واسطه مورد تأکید قرار می‌دهد و هم با واسطه و از طریق تشریح شرایط، روندهای تاریخی، مطالبات و الگوی زندگی پیامبران، سرنوشت قوم‌های مختلف و مسیری که بشر در یک برآیند نهایی و غایی، آن را طی خواهد کرد. امیدی که خداوند در قرآن بازنمایی می‌کند واجد مختصات ذیل است:

۱- امید هم «بعد فردی» دارد و هم «بعدی اجتماعی»، به همین دلیل گاهی خطاب قرآن به افراد این است که چگونه حس پویایی، نشاط، میل به رسیدن و امید به حصول نتایج را در آنها زنده نگه‌دارد و گاهی نیز امت‌ها، ملت‌ها، اقوام و طوایف را کانون خطاب خویش قرار می‌دهد تا «امید جمعی» را مفهوم‌سازی نماید.

۲- امید بازنمایی شده در قرآن کریم هم متضمن امید «این جهانی» است که طبق آن اجزاء جامعه نیازمند بهره‌مندی از آن هستند و هم امید «آن جهانی» که مطابق با آن بشر از نعمت معنایی، هویت و آرامش ناشی از آن بهره‌مند و برخوردار می‌گردد.

۳- امید در الهیات قرآنی هم بشر را به پویایی، تلاش، صبوری و مقاومت برای رسیدن به اهداف ترغیب و تشویق می‌نماید و کسب نتیجه را ثمره کارکردهای این تلاش‌ها می‌داند و هم با تأکید بر مفاهیمی همچون توکل، هدایت الهی، مساعدت الهی، حمایت در

- برابر ظالمان و ...، نقش خداوندی را برجسته و آن را از سنت‌های الهی معرفی می‌نماید.
- ۴- تنوع در گونه‌های امید، مختصاتی است که از آیات فراوان قرآن که در سوره‌های متعدد منتشر گردیده است، قابل استنباط و ادراک است. امیدهای هفت‌گانه‌ای که در این مقاله به آنها اشاره شد بخشی از رویکرد قرآنی برای بازسازی و ایجاد زیرساخت‌هایی است که کارکرد غایی آن ایجاد امید و میل به پویایی و غایت‌گرایی بشر است.
- ۵- از نگاه قرآنی، شکست‌ها و پیروزی‌ها به‌عنوان واقعیت‌هایی برشمرده می‌شود که نباید در انتخاب‌ها و گزینش‌های رفتاری و الگویی بشر خلل ایجاد کند، بلکه هر کدام در نقش فرایندهایی هستند که می‌توانند تکامل یافته و یا تعدیل گردند.
- ۶- امید از نظر الهیات دینی امری بی‌نهایت است چرا که ایمان بی‌نهایت است و انسان در مسیر خود از ابدیت به ابدیت آن را با خود حمل می‌کند؛ چون خداوند بی‌نهایت است، تفضّل، کرامت و بخشندگی او بی‌نهایت است و تا ابد این وضعیت استمرار دارد و انسان می‌تواند امیدی ابدی را در خود ایجاد کرده و تداوم بخشد.
- ۷- دین مسیر معنابخشی انسان را مشخص می‌سازد و او را از حیرانی، احساس سرگستگی، بیگانگی و بی‌خویشتنی رها می‌سازد، به همین دلیل نشاط، انگیزش و میل به پویایی و تلاش را در کنار مقاومت، صبوری و باور به آینده‌ای روشن در انسان پدید می‌آورد. الهیات امید بازکاوی معنابخشی و هویتی است که دین به بشر در مسیر تکامل و تعالی خود معرفی می‌نماید، از این رو از امیدهای کاذب، سرگرم‌کننده و موقتی ممانعت کرده و پویایی همیشگی به انسان می‌بخشد.

منابع

قرآن کریم

بلخی، مولانا جلال الدین، *مثنوی معنوی*.

بهاری، فرشاد (۱۳۹۳)، *مبانی امید و امید درمانی*، نشر دانژه، چاپ دوم.

حافظ شیرازی، محمد (۱۳۸۱)، *دیوان حافظ*، از روی نسخه محمد قزوینی و دکتر قاسم غنی، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

سیولی، آنتونی، بی.بیلر، هنری (۱۳۹۱)، *نیروی امید*، ترجمه مریم تقدیسی، نشر ققنوس، چاپ اول.
طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۷۴)، *المیزان فی التفسیر القرآن*، ترجمه سید محمد باقر همدانی، جلد ۱، نشر دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

کلینی، محمدبن یعقوب بن اسحاق (۱۴۰۷)، *اصول کافی*، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ق، ج ۲: ۴۳۵.

هایلر، فردریش (۱۳۹۳)، *نیایش؛ پژوهشی در تاریخ و روانشناسی دین*، شهاب‌الدین عباسی، نشر نی، چاپ دوم.

وولف، دیوید. ام. (۱۳۸۶)، روانشناسی دین، ترجمه محمد دهقانی، انتشارات رشد، چاپ اول.

Heiler, Friedrich (1932), *Prayer: A study in the History and Psychology of religion*, Oxford university press.

Jung, C.G. (1938), *Psychology and Religion*. In *Colected Works*, vol. 11 (2 end ed.), 1969, pp. 3 – 105.

Moltmann, Jorgen (1993), *Theology of hope: On the ground and implication of a Christian Eschatology*, fortress press.

Morgan, Richard (2009), *Faith, Hope and Love abide, churchman*, 1 Corinthians 13:13 ESV.

Snyder, C. R, et al (1991), *The will and the ways: Development and validation of an individual differences measure of hope*, Journal of Personality and Social Development, v. 60, p. 570- 585.

Snyder, C. R, Higgins, Raymond (1991), *Reality Negotiation and Excuse-Making Handbook of Social and Clinical Psychology: The Health Perspective*, Chapter 5.

Snyder, C (2000), *Hand book of hope: Theory, Measures, and Applications*, Academic Press, USA.

Snyder, C (2000), *Hand book of hope: Theory, Measuring and nurturing hope*, journal of counseling on development, 13(3):355-360.

Tillich, Paul (2001), *Dynamic of faith*, New York , Perennial.